



امیرالمؤمنین (ع) می‌فرماید: «عقل آدمی در میان کشاکش هوای نفس و شهوت از میان می‌رود»<sup>(۱)</sup>.

■ ۲- بهره‌مندی از تعالیم الهی  
حضرت امام صادق (ع) می‌فرماید: علم تنها آموختن نیست بلکه آن نوری است که خداوند در دل آن کسی که می‌خواهد هدایتش کند قرار می‌دهد.<sup>(۲)</sup> با این بیان روشن می‌گردد که هر انسانی که با ملکوت اعلیٰ ارتباط پیدا کند، معارفی در نفسش القا می‌گردد. بدین معنی که قلب آدمی چونان آینه‌ای است و حضرت حق چون آفتاب، هر قدر آینه پاکیزه و صیقلی باشد، همانقدر نور حق در آن بیشتر تابیدن گیرد و همه جا را روشن گردانند. در طول تاریخ، علما و بزرگان زیادی به مقاماتی شده‌اند که هرگز از طریق عادی نمی‌توانسته‌اند به آن مقامات علمی دست یابند مگر آن که متصل به علم بیکران الهی گردیده باشند.<sup>(۳)</sup> لذا اساتید بزرگ، تصفیه نفس و اخلاص نیت را برای تحصیل علوم و معارف ضروری می‌شمارند چرا که پارسایی و دوری از محرمات است که نفس را صفا می‌دهد و از پلیدی‌ها می‌رهاند و او را با عالم بالا مرتبط می‌سازد و لایق تعلیم الهی می‌گرداند.<sup>(۴)</sup>

و از همین‌گذر است که تفکر در آیات الهی و تعمق در آنها به اهل تقوا منسوب شده است، آنجا که می‌فرماید: «إِنَّ فِي اخْتِلَافِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ وَمَا خَلَقَ اللَّهُ فِي السَّمَاوَاتِ

مشاهده کرده و می‌یابد. اما انسان بی‌تقوا آن چنان در تاریکی فرو می‌رود که اگر همه آیات الهی را به او ارائه دهند، چیزی نمی‌بیند. از این رو اگر انسان راه تقوا و پاکی نفس را طی کرد هم اسرار عالم را می‌بیند و هم صراط مستقیم را به آسانی می‌پیماید. چنانچه حضرت حق می‌فرماید: «إِنَّ تَقْوَاهُ اللَّهُ يَجْعَلُ لَكُمْ فُرْقَانًا»<sup>(۵)</sup> اگر با تقوا بودید خداوند توان فرق نهادن بین حق و باطل را نصیب شما می‌کند. اگر چه عقل آدمی برای درک حقایق آماده است، اما گاهی هوس‌ها و محبت‌های بوج و حرص‌های بی‌مورد، چونان غباری مانع دید عقل می‌گردند لذا شناخت حق از باطل، نیک از بد و راه و چاه در مسیر حرکت انسان مشکل می‌گردد و این تقوا و تهذیب نفس است که نورانیته ایجاد کرده و غبار راه را می‌نشاند.

جمال یار ندارد حجاب و پرده ولی  
غبار ره بنشان تا نظر توانی کرد

با یک تحلیل ساده نیز می‌توان این نمره تقوا را درک نمود و آن اینکه در جوامعی که دینداری جایگاهی ندارد و هوس‌های آنی و لذت‌های مادی محور قرار گرفته است، دستگاہ‌های تبلیغاتی و رسانه‌های جمعی، لذت‌جویی و هوس‌رانی را ترویج می‌کنند لذا در چنین محیطی تمیز حق از باطل بسیار مشکل می‌گردد و این‌ها همه در اثر بی‌تقوایی و آلودگی آن جامعه است.<sup>(۶)</sup> و از این‌گذر است که حضرت

پرهیز از محرمات که در زبان دین از آن به تقوا تعبیر شده است، مهم‌ترین وسیله در سیر و سلوک معنوی و تقرب به حضرت دوست است. بدون تقوا رسیدن به هیچ مقامی امکان ندارد زیرا تا زمانی که نفس آلوده به چرک محرمات و گناهان است و تا مادامی که تابع هوس‌ها و لذت‌های نفسانی است و شیرینی آن در کام اوست، اولین مقام کمالات معنوی برای او رخ نداده است<sup>(۷)</sup> و به حیات طیبه‌ای که هدف آفرینش شمرده می‌شود دست نمی‌یابد.

تقوا و پرهیز از محرم الهی از اهمیت والایی برخوردار است، و دارای آثار و برکات فراوانی در زندگی دنیوی و مقامات اخروی شخص متقی می‌باشد، در این مقال کوتاه، بیان چندین معنی از تقوا، به برخی از آثار آن که در کتاب آسمانی قرآن کریم آمده است نظری می‌افکنیم، باشد که چراغ فروزان فرارویمان گردد.

■ ۱- تشخیص حق از باطل  
همانطوری که تفکر راهی است که انسان را به حقایق جهان هستی آشنا می‌کند. تقوا هم طریقی است که انسان را قادر به مشاهده حقایق و اسرار عجب می‌گرداند، هر قدر خواهش‌های مادی کمتر باشد و دل آدمی متوجه معبود گردد، معرفت فطری شکوفا تر و عبادت درونی نمود بیشتری می‌یابد، لذا متقی معارف دینی را آشکارا

وَالْأَرْضِ لَأَيَاتٌ لِّقَوْمٍ يَعْقِلُونَ؛ (۸) همانا در آمد و شد روز و شب و آنچه خداوند در آسمانها و زمین آفریده، نشانههایی برای اهل تقوا است.»  
گرچه سراسر جهان آیات الهی است و همه انسانها حتی کافران در دریای این نشانهها غرقند، اما این صفای قلب پرهیزکاران است که امکان شهود اسرار جهان را به آنان می‌دهد.

### ■ ۳- بهره‌مندی از روزی و برکات آسمان و زمین

خداوند سبحان بندگان خود را آنچنان ظریف روزی می‌دهد که کس را بر آن وقوفی نیست. درهای خزان الهی را طوری می‌گشاید که مشهود کسی نمی‌باشد از این رو کسی شایسته روزی الهی است که در کارهای خود، ظریف و دقیق باشد و ظرافت در سیر و سلوک، همان تقوای اعتقادی، اخلاقی و عملی است. (۹)  
لذا می‌فرماید: «مَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا \* وَيَرْزُقْهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ؛» (۱۰) هر که تقوا پیشه کند، خداوند برای او راه خروج از تنگنا قرار می‌دهد و از آن جایی که گمان نمی‌برد به او روزی عطا کند.»

از سوی دیگر، تقوای مالی و اقتصادی را خاطر نشان کرده و آن را مایه طهارت و برکت روزی می‌شمارد و می‌فرماید: «خُذْ مِنْ أَمْوَالِهِمْ صَدَقَةً تُطَهِّرُهُمْ؛» (۱۱) از اموال آنها به عنوان زکات بر گیر تا پاکیزه گردند.» معلوم می‌گردد انسانی که زکات مالش را نمی‌پردازد، آلوده است و مالی که در دست دارد پاکیزه نیست. هم‌چنانکه کسب مال از راه حرام را اعلام جنگ با حضرت حق دانسته و آن را عامل بی‌برکتی می‌شمارد و می‌فرماید: «يَسْمَعُ أَلْسِنًا وَيُزَيِّرُ أَلْسِنَاتٍ؛» (۱۲) خداوند مال ربوبی را نابود می‌کند و صدقه (مال مزکنی) را افزایش می‌دهد» از این روست که باز شدن درهای برکات آسمان و زمین را در گرو ایمان و تقوای جامعه قرار داده است که «لَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ ءَامَنُوا وَاتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ؛» (۱۳) اگر مردم هر منطقه ایمان آورده تقوا بورزند، درهای برکات آسمان و زمین را بر آنان می‌گشاییم.» و این به معنای تقوای همه افراد جامعه انسانی است نه تقوای عده‌ای و کفر و فساد برخی دیگر چرا که در این صورت سبب فساد از جامعه رخت بر نخواهد بست. (۱۴)

### ■ ۴- قبولی اعمال نزد خداوند

خدای سبحان، طیب است و منزّه و می‌فرماید: «إِلَيْهِ يَصْعَدُ الْكَلِمُ الطَّيِّبُ؛» (۱۵) سخن پاک است که به سوی او بالا می‌رود» پس

سعادت بالا رفتن به سوی خداوند را به سخن پاک که همان اعتقاد حق است، اختصاص داده است. (۱۶) این سخن پاک، فقط از جان پاکیزه که از چرک گناهان منزّه است، صادر می‌شود چرا که سخن و عمل جدای از حقیقت انسان نیست. بدین معنا که اگر صفحه دل آدمی از سیاهی گناه صاف گردد، اعمال نیک در آن مؤثرتر بوده و به هدف خود که تقرب جان آدمی به حضرت حق است بهتر می‌رسد. (۱۷) لذا معلوم می‌گردد که تقوا علاوه بر اصلاح نفس، در تأثیر اعمال و قبولی آنها در درگاه الهی شرط لازم است، چنانچه قبولی اعمال را منحصر در اعمال متقین کرده می‌فرماید: «إِنَّمَا يَتَقَبَّلُ اللَّهُ مِنَ الْمُتَّقِينَ؛» (۱۸) جز این نیست که خداوند فقط اعمال اهل تقوا را می‌پذیرد» و چون روح عمل ارزشمند گردید، دیگر مقدار آن اهمیتی ندارد و اندک آن نیز، بسیار محسوب می‌شود، چه آنچه که مورد رضایت الهی است اندک و ناچیز شمرده نمی‌شود. (۱۹)

### ■ ۵- نجات از سختی‌ها

چنانچه گذشت، فرد متقی از تعلیم الهی برخوردار بوده و توان تشخیص حق از باطل نصیب او شده است لذا او در دشواری‌های زندگی فردی و اجتماعی خود درمانده نمی‌گردد و در تنگنا نمی‌ماند. او صاحب دید نیرومندی است که او را در مصائب و سختی‌ها یاری می‌رساند چنانچه فرموده: «مَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا؛» (۲۰) هر که تقوا بورزد خداوند راه گشایش در سختی‌ها به او عطا می‌کند.» آن‌گونه که طبق بیان نورانی رسول اکرم (ص) حتی اگر آسمانها و زمین برای فرد متقی در هم پیچیده شود، خداوند برای او راه گشایش و فرج را می‌نمایاند. (۲۱) و نیز می‌فرماید: «مَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مِنْ أَمْرِهِ يُسْرًا؛» (۲۲) هر که تقوا بورزد، خدا کار را بر او آسان می‌گرداند» از دیگر سوی این فرقان و تعلیم الهی، هشیاری و فراستی به فرد پارسا می‌دهد که در برابر دشمنان و حيله‌گران نیز خود را نمی‌بازد و در تنگنا قرار نمی‌گیرد چرا که او با نور خداوندی می‌نگرد لذا حضرت حق وعده می‌دهد که «إِن تَضَرُّوْا وَتَتَّقُوا لَا يَضُرُّكُمْ شَيْئًا؛» (۲۳) اگر صبر کرده تقوا پیشه کنید، مگر و حيله آنان به شما ضرری نمی‌رساند.»

### ■ ۶- بهره‌مندی از هدایت قرآن

هدایت همان پیمودن طریق تکامل است که انسان مراحل نقص را پشت سر گذاشته و به مقامات بالاتر معنوی راه یابد. مسلماً قرآن کریم

برای هدایت همه انسانها نازل گردیده است اما خدای متعال می‌فرماید: «هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ؛» (۲۴) قرآن مایه هدایت پرهیزکاران است» و بهره‌مندی از هدایت را مخصوص پارسایان می‌نماید. شاید سز این اختصاص این است که تا اولین مرحله تقوا که همان تسلیم در برابر حق و پذیرش آن است، در انسان وجود نداشته باشد، او هیچ‌گاه در بی‌حق نبوده و به دعوت پیامبران گوش نخواهد سپرد. آن کس حق و هدایت را می‌پذیرد که در جستجوی آن باشد. لذا هدایت قرآن کریم شامل حال پارسایان خواهد بود زیرا همانگونه که زمین شوره‌زار هرگز سنبل بر نیارد اگر چه هزاران مرتبه بر آن باران بیارد، سرزمین وجود انسان نیز تا از آلودگی‌های گناهان پاک نگردد، بذر هدایت را نمی‌پذیرد و شکوفا نمی‌گردد. (۲۵)

از این رو، بعد از آن که خدای متعال ویژگی‌های اهل تقوا را بر می‌شمارد، می‌فرماید: «أُولَٰئِكَ عَلَىٰ هُدًى مِّن رَّبِّهِمْ؛» (۲۶) ایشانند که هدایت پروردگارش شامل حالشان است.»

### ■ ۷- آمرزش گناهان و رستگاری

خطاها و گناهی که از آدمی سر می‌زند به مرور او را از درگاه الهی دور و دورتر می‌گرداند و قلبش را تاریک می‌سازد، اما خدای مهربان که پذیرای توبه بندگان است، در عین آنکه وعده آمرزش و محو گناهان می‌دهد، آنان را به رعایت حرمت اوامر خویش فرا می‌خواند و می‌فرماید: «وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ سَبِيلًا؛» (۲۷) هر که تقوای الهی پیشه سازد، گناهان او را بیوشد و پیامرزد» از دیگر سوی آیه شریفه از بین رفتن گناهان و آثار آنها را از پاداش‌هایی بر می‌شمرد که بر پرهیزگاری مترتب می‌گردد. پس هر آن‌که به مقام والای تقوا نایل آید و سعی در جبران گذشته خود نماید، با نور عبادت و اطاعت خالق خویش، تاریکی‌ها را از دلش برطرف ساخته و قدم در سعادت و رستگاری می‌نهد (۲۸) که فرمود «قَدْ أَفْلَحَ مَنْ زَكَّاهَا؛» (۲۹) راستی رستگار شد آنکه نفس خویش را پاک گرداند»، از این رو خدای سبحان بندگان را به اجتناب از معاصی دعوت می‌کند تا آنان در سایه پارسایی به فلاح و رستگاری دست یابند چنانچه فرموده است «وَأَتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ؛» (۳۰) تقوای الهی پیش گیرید باشد که به سعادت برسید.»

### ■ ۸- پاداش بزرگ اخروی

آنچه از بهشت و پاداش‌های اخروی، برای